

نژادپر

بازگشت علم نژادشناسی

آنجلاسینی

ترجمه محمد کرام‌الدینی



نویسنده: آنجلا سینی
مترجم: محمد کرام‌الدینی
ویراستار: صوری-زبانی: فرید مصلحی / مصلح آبادی
ناشر: انتشارات فاطمی (کتاب فانوس)
چاپ اول، ۱۴۰۱
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۶۴-۵۲-۵
ISBN: 978-622-7564-52-5
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان

آماده‌سازی پیش از چاپ: واحد تولید انتشارات فاطمی
مدیر تولید: فرید مصلحی / مصلح آبادی
طراح: مژگانیک: علی ابوالحسنی
صفحه‌آرا: لایلا سماوی
نمونه‌خوان: ابوالفضل بیرامی
نظارت بر چاپ: علی محمدیپور
لیتوگرافی: نقش سبز
چاپ و صحافی: زعفران

کلیه حقوق این اثر برای انتشارات فاطمی محفوظ است. این اثر با کاغذ حمایتی
منتشر شده است.

نشانی دفتر: میدان دکتر فاطمی، خیابان جویبار، خیابان میرهادی شرقی، شماره ۱۴
کدپستی: ۱۴۱۵۸۸۴۷۴۱ | تلفن: ۸۸۹۴۵۵۴۵ (۲۰ خط) | نمابر: ۸۸۹۴۴۰۵۱

www.fatemi.ir info@fatemi.ir

نشانی فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تقاطع شهدای ژاندارمری
تلفن: ۶۶۹۷۳۴۷۸ | نمابر: ۶۶۹۷۳۳۷۱۰



Saini, Angela, 1980 -

ساینی، آنجلا، ۱۹۸۰ - م.

نژاد برتر: بازگشت علم نژادشناسی / آنجلا سینی؛ ترجمه محمد کرام‌الدینی. — تهران: فاطمی، ۱۴۰۱.

ده، ۳۵۰ ص: مصور.

ISBN: 978-622-7564-52-5

فیفا.

Superior : the return of race science, 2019.

عنوان اصلی:

۱. نژاد — تحقیق. Race -- Research. ۲. انسان — اصلاح‌نژاد. Eugenics. الف. کرام‌الدینی، محمد، ۱۳۳۴ -
مترجم

۳۰/۵/۸۰۰۷۲۳

HT1۵۰۶

۱۴۰۱

۸۸۰۹۰۷۱

کتابخانه ملی ایران

فهرست

هفت	در باره فانوس
نه	قدردانی
۱	پیشگفتار
۱۱	فصل ۱. در عمق زمان
۴۵	فصل ۲. جهان کوچک است
۶۵	فصل ۳. کاسبی علمی
۸۷	فصل ۴. درون گله
۱۱۳	فصل ۵. واقع گرایان نژاد
۱۳۷	فصل ۶. تنوع زیستی انسان
۱۶۹	فصل ۷. ریشه ها
۱۹۳	فصل ۸. داستان هایی درباره اصل و نسب
۲۱۹	فصل ۹. کاست
۲۵۱	فصل ۱۰. اوهام
۲۷۳	فصل ۱۱. قرص های سیاه
۳۰۷	واپسین سخن
۳۱۱	منابع
۳۳۹	نمایه



پیشگفتار

در موزه بریتانیا

می‌توانید ببینیدشان

استخوان‌های انسان‌های آفریقایی را

توانه صحنه انگلیسی از گروه فان-دا-منتال

آدم‌های مُرده دور و برم را گرفته‌اند، از خود می‌پرسم من چیستم.
من تقریباً همه عمر را در لندن گذرانده‌ام. در موزه بریتانیا کار می‌کنم و طی ده‌ها سال عمرم، بارها گالری‌های آن را دیده‌ام. هم‌سرم برای نخستین بار در اینجا با من قرار گذاشت و سال‌ها بعد، این نخستین موزه‌ای بود که پسرم را به آن آوردم. آنچه مرا به اینجا جلب می‌کند، اندازه و ظرافت صنایع دستی است که به نظر می‌رسد هریک از دیگری قدیمی‌تر و با ارزش‌تر است. احساس می‌کنم در عظمت آن‌ها غرق شده‌ام؛ اما آموخته‌ام، اگر با دقت نگاه کنم، پی به اسراری خواهم برد.
وقتی برای اولین بار به آن وارد می‌شوید، اگر بی‌حوصله باشید، مشاهده جزئیات دقیق این ذخایر مهم که از چشم بازدیدکنندگان عجل‌پنهان می‌مانند، تقریباً غیرممکن است. شما مانند یک ماهی که در میان گروهی از ماهی‌ها گیر افتاده است، به جلو رانده می‌شوید. این موزه فقط باریک یا حتی چند موضوع



متمرکز نیست. نکته همین است. اینجا بسیاری از اشیای ارزشمند، هر یک داستانی برای بازگوکردن دارد. هر یک با مهارتی تمام ساخته شده است تا جایگاه بریتانیا در جهان را به ما یادآوری کند.

در سال ۱۷۵۳، سر هانس اسلون^۱، پزشک و مجموعه‌دار انگلیسی، با وقف مجموعه‌ای موزه بریتانیا را بنیاد نهاد؛ چون قرار بود همه دارایی‌های فرهنگی انسان در هر زمان و هر مکان در اینجا به ثبت برسند. در آن زمان امپراتوری انگلستان در حال رشد بود و شما می‌توانید در این موزه ببینید که سازندگان این امپراتوری، موقعیت خود را در تاریخ چگونه تصور می‌کردند. انگلستان در آن زمان خود را وارث تمدن‌های بزرگ مصر، یونان، خاورمیانه و روم می‌دانست. کافی است به ستون عظیمی که در کنار در ورودی آن قرار دارد و در سال ۱۸۵۲ تکمیل شده که تقلیدی از معماری یونان باستان است، بنگریم. سبک نئوکلاسیکی که در گوشه‌ای از مرکز لندن خودنمایی می‌کند، شاهی برای مدعاست که انگلیسی‌ها خود را ادامه‌دهنده فرهنگ و اندیشه یونانیان و رومیان بزرگ می‌دانند. کاربرد این نوع معماری در کاخ سفید واشینگتن دی سی نیز به ما می‌گوید که بنیانگذاران آمریکا نیز همین پندار را در سر داشته‌اند.

انگلستان، این کشور کوچک جزیره‌ای، زمانی توانسته بود این گنج هشت میلیون قطعه‌ای گرانبهارا از گوشه و کنار کره زمین جمع‌آوری و به اینجا منتقل کند. ساکنان جزیره ایستر برای تسخیر روح یکی از اجدادشان غول «هوآی هاکانانایی»^۲ را ساختند و آتک‌ها نقش مارهای نفیس فیروزه‌ای دوسر را به عنوان نماد اقتدار حکاکی می‌کردند. این شاهکارها اکنون در این موزه قرار دارند. اشیای این موزه همه نمایشگر جسارت، قدرت و ثروت‌اند.

تاریخ جهان از دید انگلیسی‌ها، بسیار ساده بود: خطی مستقیم که از فرهنگ‌های شمال آفریقا و خاورمیانه تا جنوب و غرب اروپا کشیده می‌شد. در اینجا

از کنار مجسمه‌های مرمر سفیدی که از «پارتنون»^۱ در آتن برداشته شده‌اند، عبور می‌کنید؛ اگرچه بخش‌هایی از آن‌ها خرد شده و فروریخته‌اند. از کنار مجسمه‌های خدایان یونانی و رومی که بدن‌های آن‌ها کمال جسمی انسان آرمانی را نشان می‌دهند، می‌گذرید. در سال ۱۷۹۸، هنگامی که ناپلئون بر مصر پیروز شد، یکی از مهندسان ارتش فرانسه «سنگ روزتا» را کشف کرد و در پی آن مورخان توانستند برای اولین بار هیروگلیف مصری را ترجمه کنند. اگرچه این شیء گرانبها که یکی از مهم‌ترین اشیای تاریخی جهان و جواهری باقی‌مانده از دوران باستان است، به‌دست فرانسویان افتاد؛ اما چند سال پس از پیدا شدن، ارتش انگلستان آن را تصاحب کرد و به‌اینجا آورد که تا امروز همچنان اینجاست و در یک طرف آن هنوز هم این نوشته به‌چشم می‌خورد: «از سوی ارتش انگلستان در مصر به‌دست آمد».

هولگر هوک^۲ مورخ نوشته است: «مقیاس و کمیت مجموعه‌های موزه بریتانیا مدیون قدرت و توانایی دولت نظامی و سلطنتی انگلستان است.» تاریخچه آن را بدانید. از موزه به‌عنوان شاه‌مهری برای مبارزه در برابر سلطه و جست‌وجوی ریشه‌های عمیق تمدن خود بازدید کنید.

اندکی پس از آنکه اسلون مجموعه خود را وقف کرد دانشمندان سفیدپوست اروپایی آنچه را که امروزه «نژاد» می‌نامیم، تعریف کردند. در سال ۱۷۹۵، یوهان فردریش بلومنباخ^۳، پزشک آلمانی در ویراست سوم کتابش به‌نام در مورد انواع طبیعی انسان^۴ پنج وارسته انسانی را توصیف کرد: قفقازی، مغول، اتیوپیایی، امریکایی و مالایی. «قفقازی» دقیقاً به‌افرادی گفته می‌شود که در منطقه کوهستانی قفقاز، میان دریای سیاه از غرب و دریای خزر از شرق زندگی می‌کنند؛ اما طبق تعریف جامع بلومنباخ، همه مردم ساکن اروپا تا هند و شمال آفریقا، قفقازی به‌شمار می‌آیند. رده‌بندی سلیقه‌ای او پُر دوام و پایدار بوده است.

1. Parthenon

2. Holger Hoock

3. Johann Friedrich Blumenbach

4. *On the Natural Varieties of Mankind*